



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

شرح دعای آخر ماه شعبان و اول ماه رمضان

شناسنامه مطلب	
t-404	کد مطلب
تزکیه‌ای / مباحث معرفتی / مناسبت‌ها / مناسبت‌های قمری / شعبان	رده
تزکیه، مناسبت‌های قمری، شعبان، رمضان، دعا، آیت الله سعادت پرور (ره)	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

آیت الله سعادت پرور (ره) در کتاب نور هدایت این دعا را چنین شرح داده اند:

«اللَّهُمَّ! ... وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ»^۱

خداوندا! ... مرا از شایسته‌ترین آفریده‌هایت در عمل و آرزو و [در برابر] قضا [و سرنوشت حتمی] و قدر [و مشخصات چیزهایی که اراده فرموده‌ای] قرار بده.

از مجموع جمله‌های این فراز معلوم می‌شود: کسی می‌تواند از افراد صالح شود که از چهار جهت کسب شایستگی و صلاح کرده باشد:

۱. شایستگی در عمل

از جمله‌ی «صَالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ» بر می‌آید که بنده‌ی صالح کسی است که در تمام لحظات زندگی و اجزاء کارهای روزمره در طول شبانه روز، عمل به عهد عبودیت را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار دهد؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

- أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ^۲

ای پسران و [فرزندان] آدم، آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید، چرا که او دشمن آشکار شما است و مرا پرستید که این راه راست می‌باشد.

- مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ^۳

از میان مؤمنان مردانی هستند که بر آن چه با خداوند پیمان بستند، با صدق و راستی وفا نمودند.

۱- اقبال الاعمال، ص ۱۰.

۲- سوره‌ی یس، آیات ۶۰ و ۶۱.

۳- سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۳.

و در واقع به صراطِ مستقیم **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**^۱؛ (ما را به راه راست هدایت فرما) واقف، و به فطرتِ **فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ**^۲؛ (همان سرشت خدایی که همه‌ی مردم را بر آن سرشت و هیچ تغییر و تبدیلی در آفرینش خدا [امکان‌پذیر] نیست. این همان آیین استوار [و مایه‌ی قوام مصالح دین و دنیای همگان] می‌باشد.) اقامه‌ی وجه نماید. عبادات و اذکار و اوراد ظاهری نیز جزوی از عمل به عهد عبودیت و از مقدمات رسیدن به همین هدف می‌باشند.

۲. شایستگی در آرزو

از تعبیر **«صَالِحٌ خَلَقَكَ فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ»** استفاده می‌شود که بنده‌ی صالح کسی است که آرزویی غیر از خدا و آن چه او دوست دارد و می‌خواهد، ندارد و در واقع رسیدن به همه‌ی آرزوهایش برای نیل به قرب و انس و شناسایی پروردگار می‌باشد و با تمام وجود، به او رجوع می‌نماید؛ چنان که قرآن شریف در موارد متعدد به این نکته اشاره می‌فرماید:

- وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ^۳

و از راه کسی که [با تمام وجود] به سوی من توبه نموده است، پیروی نما.

- وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى^۴

و مژده باد آنان را که از پرستش طاغوت [و هر معبودی به جز خداوند] دوری جسته و [با تمام وجود، تنها] به سوی خدا بازگشت نمودند.

- اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ^۵

۱- سوره‌ی فاتحه، آیه‌ی ۶.

۲- سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰.

۳- سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۵.

۴- سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۱۷.

۵- سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۳.

خداوند هر کس را که بخواهد [برای رهنمایی] به سوی خود برمی‌گزیند و هر کس را که [با تمام وجود به او] بازگشت نماید، به سوی خویش رهنمون می‌گردد.

۳. شایستگی در برابر قضای الهی

از عبارت «صَالِحِ خَلْقِكَ فِي ... الْقَضَاءِ» بر می‌آید، بنده‌ی صالح الهی کسی است که در برابر قضا الهی ناخرسند و منفعل نگردد، بلکه نسبت بدان آرامش داشته و در همه‌ی امور تسلیم پروردگار باشد. در روایات منقول از امیرمؤمنان - علیه السلام - آمده است:

- «شَرُّ الْأُمُورِ، السَّخَطُ لِلْقَضَاءِ»^۱

بدترین چیز ناخشنودی و ناخرسندی از قضای الهی است.

- «كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ حِيلَةٌ، إِلَّا الْقَضَاءُ»^۲

هر چیز به جز قضای الهی، راه چاره‌ای دارد.

با توجه به این که «قضا» در این جا به معنای امور انجام گرفته و پیاده شده‌ای است که هر شخص بدان رسیده و یا می‌رسد و در تمام لحظات عمر با آن همراه بوده و می‌باشد و به هیچ وجه تغییرپذیر نیست؛ تمنای غیر آن، مقابله با قضای الهی است و بندگان صالح هرگز چنین نمی‌باشند.

۴. شایستگی در برابر قدر

از جمله‌ی «صَالِحِ خَلْقِكَ فِي ... الْقَدَرِ» معلوم می‌شود، بنده‌ی صالح کسی است که یقین دارد آن چه به اقتضای جهات مادی و معنوی، برای او اندازه‌گیری و مقدر شده و می‌شود، به وی خواهد رسید و به گزاف هم نخواهد بود. در روایات منقول از امیرمؤمنان - علیه السلام - آمده است:

- «بِتَقْدِيرِ أَقْسَامِ اللَّهِ لِلْعِبَادِ، قَامَ وَزُنُ الْعَالَمِ، وَ تَمَّتْ هَذِهِ الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا»^۳

۱- فهرست موضوعی غرر و درر، باب القضاء، ص ۳۲۴.

۲- همان.

۳- فهرست موضوعی غرر و درر، باب القضاء، ص ۳۲۰.

با مشخص ساختن مقدرات خداوند برای بندگان است که تعادل جهان، پابرجا و این دنیا برای ساکنانش استوار است.

- «نِعْمَ الطَّارِدُ لِلَّهِمَّ، الْإِتِّكَالُ عَلَى الْقَدَرِ!»^۱

چه خوب دور کننده و راننده‌ی هم و غم است، تکیه نمودن بر قدر الهی! در این گونه موارد، بنده‌ی صالح وظایف ظاهری خود را نسبت به قضا و قدر انجام می‌دهد و دیگر هیچ اضطرابی نخواهد داشت.^۲

ماه رمضان، ماه کسب کمالات

در این دعا، تقاضای چهار امر ذکر شده و توجّه و رسیدن به آن‌ها را در سفر معنوی ماه رمضان از ما خواسته‌اند. از همین جا معلوم می‌گردد که ماه رمضان ماهی است که تقاضای این امور مطلوب است و می‌توان در آن به این کمالات نایل گردید و در نتیجه از بندگان صالح حق تعالی شد.

«اللَّهُمَّ! أَبْقِنِي خَيْرَ الْبَقَاءِ، وَأَفْنِنِي خَيْرَ الْفَنَاءِ عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، وَالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَالْخُشُوعِ، وَالْوَقَارِ، وَالتَّسْلِيمِ لَكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِكِتَابِكَ، وَاتَّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.»^۳

خداوند! مرا به بهترین بقاء و پایداری، زنده و باقی بدار و به بهترین مرگ بمیران، یعنی بر دوستی دوستان و دشمنی دشمنان و گرایش به سوی تو و هراس از تو و فروتنی و آرامش و تسلیم در برابر تو و تصدیق کتاب و پیروی از روش پیامبرت - رحمت‌های [خاص] تو بر او و خاندان او باد -.

۱- همان.

۲- بیانی که از قضای الهی در شرح این فراز ارایه شد، مبتنی بر این نکته است که «قضا» در این فراز پیش از «قدر» ذکر شده است. معانی دیگری برای قضا و قدر ذکر شده که اگر در بیان دعا‌های دیگر مناسبتی پیش آید، توضیح داده خواهد شد.

۳- اقبال الاعمال، ص ۱۰.

راه‌های احراز بهترین نوع زندگی و مرگ

از دو جمله‌ی اوّل این فراز برمی‌آید که بهترین چیز برای بشر در عالم، پس از سپری کردن این دنیا، زیستن و انتقال نیک از این جهان به جهان دیگر است؛ اما این که چگونه و با چه چیز می‌توان این سعادت را به دست آورد، بیانات نه‌گانه ذیل دعا راهنمای به آن است:

۱. دوستی با دوستان خدا: «عَلَى مَوْلَاةٍ أَوْلِيَاءِكَ»

جای تردید نیست که اگر کسی با بندگان خاصّ الهی که انبیا و اوصیای ایشان - علیهم‌السلام - در رأس آنان قرار دارند، بنشیند و به آنان محبت بورزد و یا با فرموده‌های آنان انس داشته باشد، بهترین بقاء و فنا را خواهد داشت. وقتی انسان با کسانی که طریقه‌ی آنان را پیشه‌ی خود ساخته و به کمالات انسانیّت نایل گشته‌اند، مجالست و محبّت داشته باشد، قطعاً این نشست و برخاست و دوستی در زندگی این جهان و جهان دیگر برای او اثرات و برکات معنوی فراوانی به ارمغان خواهد آورد.

۲. دشمنی با دشمنان خدا: «مُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ»

توجّه به این مطلب ضروری است که دشمنان خدا تنها کسانی نیستند که در زمان حیات ظاهری انبیا و اوصیا - علیهم‌السلام - با آنان در ستیز و دشمنی بوده‌اند، بلکه فرد مسلمان و مؤمن باید در هر زمان با هر کس که با خدا و فرستادگانش - انبیا و اوصیا - علیهم‌السلام - و مقرّرات او دشمنی دارد، دشمن باشد؛ وگرنه در دنیا به انحراف کشیده شده و در آخرت به عذاب الهی دچار خواهد گردید، چنان که قرآن شریف می‌فرماید:

لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ^۱

به [قدرت و نیروی] کسانی که ظلم و ستم نمودند، نیاسایید، تا [مبادا] آتش به شما برسد.

در واقع، اساس سعادت دو جهان، مرهون تولّی و تبزّی در هر عصر و زمان است و سرّ تأکید به این دو امر در زیارات معصومین - علیهم‌السلام - و دعاها و احادیث وارده از آن بزرگواران نیز همین است.

۱- سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۳.

۳ و ۴. خوف و رجا: «الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ، وَ الرَّهْبَةُ مِنْكَ»

رغبت و رهبت، همان خوف و رجا است که باید هر مؤمن، هر دو را توأمان داشته و هیچ کدام در قلب وی بر دیگری فزونی نداشته باشد؛ اما خوف و رهبت و نیز رجا و رغبت و امید مراتب و مصادیق مختلفی دارند مانند: خوف از گرفته شدن نعمت‌های ظاهری، یا عذاب‌های دنیوی و اخروی، یا نرسیدن به نعمت‌های معنوی و یا خوف از عظمت الهی و نیز امید به دوام نعمت‌های ظاهری دنیوی و آن چه خداوند خود کفیل و عهده دار آن است، یا امید به نعمت‌های اخروی و معنوی. با توجه به اطلاق این فراز، می‌توان گفت همه‌ی انواع رغبت و رهبت و خوف و رجا را شامل می‌شود و هرگاه بنده‌ای به این دو منزلت راه بیابد و در تمام امور، پروردگار را همه کاره همه چیز بداند و به او رغبت و بستگی تمام داشته و در عین حال از قطع این بستگی بیم داشته باشد، به سعادت دو جهان: «خَيْرُ الْبَقَاءِ وَ خَيْرُ الْفَنَاءِ» راه خواهد یافت.

۵. خشوع

خشوع، حالت ذلّت و خاکساری بنده با تمام وجود و در تمام لحظات در پیشگاه حضرت حقّ سبحان است و اگر بنده‌ای به چنین منزلتی راه یابد، امکان ندارد به هواهای خویش یا وسوسه‌های شیطان و غیره اعتنایی داشته باشد.

۶. وقار

وقار، آرامش و سکینه‌ی باطنی است که بنده در مقابل حوادث و ابتلائات و مشکلات زندگی بایستی آن را داشته و نسبت به آن‌ها صابر و شکیب‌ا باشد؛ همه را از خداوند سبحانه دانسته و حلّ آن‌ها را هم به دست با کفایت او بداند.

۷. تسلیم در برابر خداوند: «التَّسْلِيمُ لَكَ»

مراد از تسلیم در این جا، آرامش ظاهری است که بنده در مقابل خواسته‌های الهی باید داشته باشد و دست و پای بی‌جا نزند؛ آن چه برایش پیش می‌آید را به جان پذیرا گردد و چون و چرا نسبت به آن‌ها نداشته باشد.

۸. باور داشتن کتاب الهی: «التَّصْدِيقُ بِكِتَابِكَ»

تصدیق کتاب وقتی تحقق پیدا می‌کند که بنده، مکتوب الهی یعنی قرآن شریف را به تمام وجود بپذیرد و بدان عمل نماید و خود را در گفته‌ها و شنیده‌ها و اعتقادات با آن تطبیق دهد.

۹. پیروی از شیوه‌ی زندگی پیامبر اکرم - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم - : «إِتِّبَاعِ سُنَّةٍ...»

متابعت و پیروی از سُنَّتِ پیامبر اکرم - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم -، همان قدم جایی قدم رسول اللّٰه - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم - به قدر وسع گذاشتن و در واقع عمل بر طبق فطرت است که به اعتباری آن را «دین» می‌گویند و آن حضرت - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم - نیز با سُنَّتِ خود پیروان محبوب از فطرت خویش را به آن چه خود می‌بیند و فطرتش به آن راهنما است، دعوت فرموده است. خداوند سبحان می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ^۱

پس بدون انحراف و استوار، روی [و حقیقت] خویش را به سوی دین برپا دار، همان سرشتی که همه‌ی مردم را بر آن سرشت آفرید. هیچ تغییر و تبدیلی در آفرینش خدا [امکان‌پذیر] نیست و این همان دین استوار [و مایه‌ی قوام مصالح دین و دنیای همگان] می‌باشد.

لزوم عمل

در هر حال، راه رسیدن به «خَيْرَ الْبَقَاءِ» «خَيْرَ الْفَنَاءِ» عمل به امور نه‌گانه‌ی مذکور است و باید توجه داشت که تنها خواستن این امور مطلوب نیست، بلکه پیام واقعی این بیانات شریف این است که: تا عملاً چنین نشوید، هرگز به «خَيْرَ الْبَقَاءِ وَ خَيْرَ الْفَنَاءِ» دست نمی‌یابید.

نور هدایت، ج ۱، ص ۲۰، نرم افزار گنج سعادت مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور